

تبیین روابط ایران و آمریکا در گفتمان سیاست خارجی امام خمینی(ره)

رحیم افشاریان^۱ - سید اسدالله اطهری^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۳/۱۲

چکیده

جهت‌گیری سیاسی کشورها در قبال یک دیگر، کیفیت روابط آن‌ها را مشخص می‌کند. سیاست خارجی اصولاً پدیده‌ای برآمده از درون نظریه‌های هویتی است که بازی گران در مقام عمل نمی‌توانند به همکاری کارآمد و پایدار در آن نایل آیند مگر آن‌که به نظریه و ایدئولوژی واحد دست‌یافته‌باشند. امام خمینی(ره) «اسلام» را موجودیتی متفاوت فرض می‌کند تا بتواند «دیگری» را در هویت سیاسی خود قوام‌بخشد. زبان و ایدئولوژی بر توجیه، تولید و بازتولید هژمونی و روابط نابرابر قدرت تأکید می‌کند و هدف انتقاد را توجه به عمیق‌ترین وجه اعمال قدرت در اجتماع از رهگذر افشای تزویر زبان می‌داند. تحلیل گفتمان انتقادی، به لحاظ فلسفی مبتنی بر ساخت‌گرایی اجتماعی است که با تأکید بر عامل انسانی، واقعیت را به سازه‌های انسانی تقلیل می‌دهد. هدف از تحلیل انتقادی، کشف این ارتباط و نشان دادن باورها و ارزش‌های ایدئولوژیکی است که به‌صورت عقل سلیم جلوه یافته‌اند. بر هیچ‌کس پوشیده نیست که آمریکا در گفتمان امام(ره) نقش «خصم» و «غیر» را بازی می‌کند و این نقش تا زمان تغییر الگوی رفتاری آمریکا پابرجاست. در پاسخ به پرسش «شرایط عادی شدن روابط دو کشور در گفتمان امام(ره) کدامند»، مؤلفه‌هایی هم چون «احترام‌متقابل» و «تغییر سیاست‌های تقابلی خصمانه» احصا می‌شود. بنابراین تلاش خواهد شد با روش توصیفی مبتنی بر ابزار کتابخانه‌ای ضمن مرور اندیشه اسلامی امام(ره) گفتمان انتقادی وی در سیاست خارجی تحلیل و با آزمون فرضیه‌ی پیشین، اصول کلی موردنظر اثبات شود.

واژگان کلیدی: اسلام، امام خمینی(ره)، سیاست خارجی، آمریکا، تحلیل گفتمان انتقادی.

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی تهران afsharianrahim@gmail.com

۲. رئیس گروه ترکیه شناسی پژوهشکده تحقیقات استراتژیک خاورمیانه athari.asadolah@yahoo.com

مقدمه

یکی از عرصه‌های مهم سیاست خارجی هر کشور چگونگی روابط با سایر کشورهاست. ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. در این میان کیفیت رابطه با آمریکا، به‌خصوص از فردای انقلاب اسلامی، همواره چالش‌هایی را پیش‌روی سیاست‌های ایران قرار داده است. اگرچه تا پیش از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، هم مردم و هم حکومت ایران نگاه خوش‌بینانه‌ای به آمریکایی‌ها داشتند اما پس‌از این کودتا و تا وقوع انقلاب، این نوع نگاه تنها از طرف حکومت وقت، پیگیری شد و مردم ایران با عینک بدبینی و تردید به آمریکا و سیاست‌هایش می‌نگریستند.

همین نوع نگاه در کنار سیاست‌های حکومت پهلوی، سبب سقوط این حکومت شد و در کمتر از یک سال، سفارت آمریکا در تهران تعطیل که متعاقب آن روابط دیپلماتیک دو کشور قطع شد. از آغاز نهضت، امام خمینی (ره) همواره به سیاست‌های آمریکا در قبال اسلام و ایران انتقاد داشت و دیدگاه بدبینانه‌ی ایشان به دولت‌مردان ایالات‌متحده و تداوم این نگاه از طرف مردم و حکومت ایران تا به امروز، سبب شده است که نه تنها روابط دو کشور عادی نشود بلکه چالش‌های ایجادشده از طرف آمریکا، عملاً این امکان را سلب‌کند. گفتمان، یکی از نشانه‌های تأثیرگذار در الگوهای رفتاری کشورهاست. قالب‌های گفتمانی را می‌توان با نشانه‌هایی از ساختار حکومتی پیوند داد و از این طریق بین سیاست خارجی و این قالب‌ها ارتباط برقرار کرد. اگر سیاست هویت‌مبنای تفاوت رفتار کشورها و بازی گران‌تلقی شود، گفتمان فراتر از فضای ادراکی و منظومه‌ای از ادراک‌ها، احساس عمومی و هویت‌سازی در سطح بین‌المللی تلقی می‌شود (قادری‌کنگوری و ابراهیمی، بهار ۱۳۸۹: ۹۸). تحلیل گفتمان سیاست خارجی امام (ره)

نشان می‌دهد که آمریکا جایگاه مناسبی در دقایق و مفاصل^۱ آن ندارد و تجربه‌های تلخ تاریخی، امکان مصالحه را بسیار دشوار می‌کند.

پرسش این است که «بر اساس گفتمان سیاست خارجی مورد نظر امام خمینی (ره) شرایط برقراری روابط دو کشور کدام‌اند؟» و در پاسخ، این فرضیه شکل می‌گیرد که «اگر آمریکا دست از دشمنی خود در قبال جمهوری اسلامی بردارد و با رعایت احترام متقابل، دست به تغییرات بنیادین در مبانی سیاست خارجی خود در مواجهه با ایران بزند، این امکان دور از ذهن نخواهد بود»، هر چند رسیدن به این وضعیت، چندان هم آسان نخواهد بود.

این مقاله در صدد کشف رابطه‌ی تعاملی بین متن و زمینه گفتمان امام خمینی (ره) است که موجب هژمون‌شدن اندیشه ایشان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی شده است. این امر خود، باعث تفهم معنایی گفتمان یادشده و دریافت رابطه قدرت و ایدئولوژی در گفتار ایشان و بیانگر بازتولید و تکوین قدرت انقلابی و تداوم مشروعیت آن می‌شود (اطه‌ری و زمانی، پاییز ۱۳۹۲: ۱۸۱). نوع مواجهه با محیط عینی در روابط بین کشورها با ماهیت خاص خود، نگاه «ناکجاآبادی» و تصمیم‌گیری بدون توجه به آینده را از سیاست خارجی حذف می‌کند، زیرا این شیوه نتیجه‌ای جز بروز و تصاعد بحران‌ها را به دنبال ندارد (جکسون و سورنسون، ۱۳۸۳: ۶۳-۶۲) و در دنیای امروز تغییر الگوی رفتاری کشوری مانند آمریکا بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

برای این منظور، پس از طرح مبانی نظری با محوریت «تحلیل گفتمان انتقادی»، پیشینه‌ی روابط ایران و آمریکا و نقاط عطف این رابطه بررسی می‌شود؛ سپس بنیان‌های گفتمان سیاست خارجی ایران از منظر امام خمینی (ره) احصاء و دال مرکزی و دقایق

گفتمانی آن مشخص می‌شود و در نهایت بر این اساس، امکان گفتگو و در نهایت برقراری رابطه دو کشور در منظومه ی گفتمانی مورد نظر واکاوی خواهد شد.

مبانی نظری: تحلیل گفتمان انتقادی^۱

گفتمان، مجموعه‌ای از گزاره‌های مستقل است که به صورت منطقی ترکیب شده‌اند و به صورت معنادار، رفتار، گفتار و پدیده‌هایی از این دست تولید می‌کنند. (Frank, 1992: 100). آن چه در تحلیل گفتمان کانونی است، پرداختن به «بافت» و «زمینه‌ی» متن فراتر از خود «متن» است؛ این متن ممکن است «نوشتاری» یا «گفتاری» باشد.

سوسور زبان را به بازی شطرنج تشبیه می‌کند که هر نشانه، هویت و ارزش خود را در ارتباط با دیگری و در چارچوب یک نظام قواعد به دست می‌آورد (سوسور، ۱۳۷۸: ۱۲۶). در هر گفتمان یک دال مرکزی^۲ وجود دارد که سایر نشانه‌ها حول آن مفصل‌بندی^۳ می‌شوند (منوچهری، ۱۳۸۷: ۱۰۸). در مقابل، دال‌های شناور^۴ نشانه‌هایی هستند که فاقد معنای مشخص هستند و سبب سردرگمی و ابهام می‌شوند. گفتمان‌هایی که بتوانند به ابهام و خلأ معنایی موجود پایان دهند، در دسترس عاملان اجتماعی قرار می‌گیرند و امکان هژمونیک شدن آن‌ها فراهم می‌شود (حقیقت، ۱۳۸۵: ۵۱۵-۵۱۴). دال‌ها به خودی خود، بی‌معنا هستند و با مفصل‌بندی بین آن‌ها و سایر نشانه‌ها معنادار می‌شود. «عناصر»، نشانه‌های فاقد معنا هستند و در گفتمان‌های خاصی معنادار می‌شوند. عناصر در حکم دال‌های شناور هستند که به خدمت گفتمان در نیامده‌اند اما «وقته^۵» عناصر

1 - Critical Discourse Analysis
2 - Nodal Point
3 - Articulation
4 - Floating Signifier
5- Node

مفصل‌بندی شده در گفتمان هستند و هویت و معنایی موقت و مشخص کسب‌کرده‌اند (حقیقت و حسینی‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

هدف تحلیل گفتمان تولید واحدهای معنادار بزرگ‌تر مانند «بند»، «مکالمه» و «مصاحبه» و رفتار عینی از جمله در زبان گفتاری و نوشتاری است (خلیلی و محمودی، پاییز ۱۳۹۰: ۸۸-۸۹) و هنگامی که برای ارتباط، زبان به کارگرفته‌می‌شود و کنش ارتباطی انسجام می‌یابد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۸) گفتمان حاصل می‌شود.

رهیافت‌های ساختارگرا و کارکردگرا، زبان را گسترده‌تر از گفتمان می‌دانند که این اصل در تحلیل گفتمان نیز مورد پذیرش است اما سوسور به دلیل دخل و تصرف در گفتار و اعمال سلیقه‌های مختلف آن را چندان معتبر نمی‌داند. از نظر وی رابطه‌ی بین زبان و جهان بر بنیاد مثلثی با سه ضلع «دال»، «مدلول»^۱ و «مصدق»^۲ بنا شده است که «نشانه‌ها» عنصر اصلی زبان در آن هستند.

هر گفتمان سیاسی حاوی اصول و قواعدی است که شکل خاصی از زندگی و کردارهای سیاسی را ممکن، خود فهمی‌های فردی را به شکل ویژه‌ای تعریف و برخی امکانات سیاسی را محقق و برخی دیگر را حذف می‌کند. ظهور، تکامل و بسط گفتمان‌ها در سایه‌ی «غیر» یا «خصم» صورت‌بندی می‌شود (تاجیک، زمستان ۱۳۸۶: ۱۴۹).

روابط بین زبان و قدرت، پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک، نابرابری‌های اجتماعی و هژمونی از موضوعات اصلی در پردازش گفتمان انتقادی است که عناصر زبانی را در یک ارتباط با دانش زمینه‌ای فاعلان مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد. از نظر روشی، روی کرد گفتمانی فرکلاف^۳ قدرت تبیین بیشتری از پدیده‌های اجتماعی دارد. این پدیده‌ها نزد فوکو^۴، لاکلاو^۱ و موفه^۲ همگی ماهیت گفتمانی دارد اما فرکلاف به ابعاد غیر گفتمانی آن‌ها

1- Referent

2- Example

3- Norman Fairclough

4- Michel Foucault

نیز توجه دارد. فرکلاف، گفتمان را به‌عنوان یک رخداد زبانی بخشی از «عمل اجتماعی» می‌داند که تحلیل او را از سایرین متمایز می‌کند.

تحلیل انتقادی گفتمان معتقد است که ردپای تاریخ، جهان‌بینی، ارزش‌ها، مؤلفه‌های اجتماعی و فرهنگی در جای‌جای زبان مشهود است و هدف آن بررسی انتقادی نابرابری‌های اجتماعی است، آن‌گونه که در زبان به کار می‌رود و این کاربرد مستمر موجب شکل‌گیری، تثبیت و مشروعیت آن می‌شود. در سنت انتقادی، ایدئولوژی‌ها یکی از لوازم هنجار ساز قدرت هستند که مناسبات و روابط قدرت را به‌طور عام از طریق هژمونی و نه لزوماً خشونت و فشار ایجاد و محافظت می‌کنند.

بی‌طرفی سیاسی در تحلیل گفتمان انتقادی بی‌معناست و با توجه به انقیاد ستم‌دیدگان در تولید و بازتولید روابط قدرت، این تحلیل‌ها با جانبداری از گروه‌های ضعیف‌تر سعی در رهایی آن‌ها از استثمار ستمگران دارد. رویکرد انتقادی قصد دارد، نقش کردارهای گفتمانی در حفظ و بقاء مناسبات قدرت نابرابر را آشکار کند تا از این طریق، نتیجه را برای ایجاد تغییرات رادیکال به خدمت بگیرد (یورگنسن و فیلیپس: ۱۳۸۹، ۱۱۵-۱۱۰).

گفتمان و ایدئولوژی

«معنا در خدمت قدرت» (Fairclough, 1995: 14) تعریف فرکلاف از ایدئولوژی است. ایدئولوژی‌ها، سازه‌های معنایی هستند که به تولید، بازتولید و تغییر روابط نابرابر کمک می‌کند (Fairclough, 1995: 87). جوامع با ساختارهای نابرابر (از قبیل طبقه و جنسیت) مستعد بروز نوع خاصی از ایدئولوژی است.

قدرت و گفتمان

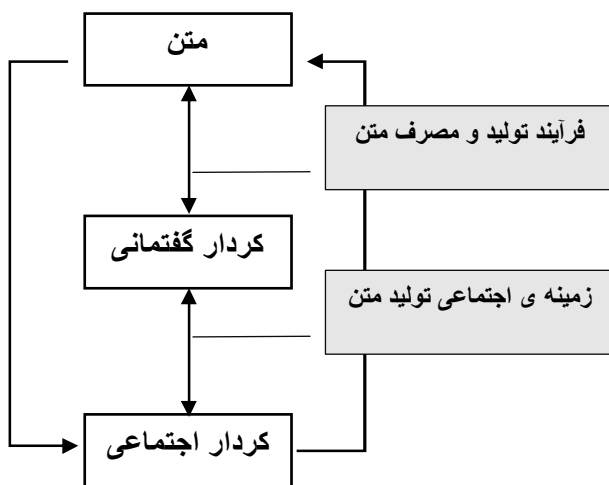
فرکلاف با تکیه بر مبانی بحث‌های فوکو، گفتمان را صرفاً بازتاب‌دهنده‌ی رابطه‌ی قدرت بیرون از آن نمی‌داند بلکه برای گفتمان وجهی تأسیس‌کننده قائل است (غلامرضاکاشی، ۱۳۷۹: ۷۱). از نظر او در هر تحلیلی دو بعد گفتمان اهمیت دارد: یکی «رخداد طبیعی» و دیگری «نظم گفتمانی». این نظم ترکیب‌بندی تمامی گونه‌های گفتمانی به‌کاررفته در یک نهاد یا میدان اجتماعی است (Fairclough, 1995: 135). چرخش گفتمانی که با دگرگونی موقعیت سوژه‌ها و هویت‌یابی جدید همراه است، بروز بی‌نظمی طبیعی است اما به‌تدریج، نظم جدید نهادینه می‌شود (Smith, 1998: 168). از دید فوکو، قدرت در اختیار هیچ طبقه‌ی اجتماعی، طیف یا گروه خاصی نیست بلکه در کل جامعه پراکنده است و هم‌چون مویرگ‌های بدن و مانند یک شبکه عمل می‌کنند (فوکو، ۱۳۷۰: ۳۳۴). یکی از اهداف مهم تحلیل انتقادی، حذف قدرت/سلطه در نظریه و عمل است (Fairclough, 1995: 17).

منازعات، بحران‌ها و آشوب‌ها را بایستی در قالب چرخش‌های گفتمانی تحلیل کرد و نمی‌توان آن را به عواملی مانند اقتصاد، تضاد طبقاتی و پدیده‌هایی از این دست تقلیل داد. این عوامل نشانه‌ای از منازعات گفتمانی است نه عنصر به‌وجودآورنده‌ی آن. زبان صرفاً ابزار نیست بلکه شکل‌دهنده‌ی انسان، کردارها و حقیقت اوست. معرفت‌شناسی بر مبنای پرده‌زبانی و شبکه گفتمانی تحقق می‌یابد و از آن جا که زبان و گفتمان پدیده‌های تاریخ‌مند هستند، انسان فرا تاریخی و نیز زبان واقع‌نما، قابل‌تصور نیست.

رابطه‌ی دیالکتیکی بین ویژگی‌های زبان‌شناختی (ساختارهای خُرد) و ایدئولوژی و مناسبات اجتماعی (ساختارهای کلان) در سنت انتقادی تحلیل گفتمان همواره برقرار است. در این رابطه گرچه ممکن است ساختارهای کلان جامعه، ساختارهای خُرد گفتمان را

تعیین کنند ولی ساختارهای گفتمانی نیز به نوبه خود ساختارهای ایدئولوژیک و گفتمانی را تولید می‌کنند (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۰).

فرکلاف، گفتمان را مجموعه‌ای از سه عنصر عمل (کردار) اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع، و مصرف متن) و [خود] متن (سخنرانی، نوشتار، اشکال بصری و ترکیب این موارد) می‌داند. او درصدد است پیوندی معنادار میان ویژگی‌های خاص متون، ویژگی‌هایی که متون باهم پیوند می‌یابند و ماهیت عمل اجتماعی برقرار کند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۸-۹۷). رابطه‌ی میان متن و کردار اجتماعی از طریق کردار گفتمانی انجام می‌شود.



شکل ۱. الگوی سه لایه‌ای تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (نگارندگان)

پیشینه‌ی روابط ایران و آمریکا؛ از حسن اعتماد تا بی‌اعتمادی

از منظر ایران، رابطه با ایالات متحده در آغاز، نوعی رابطه با یک قدرت سوم دیگر بود که از اوایل مشروطه آغاز شد و هدف از آن ایجاد دیواری در برابر نفوذ روسیه و بریتانیا بود

(فولر، ۱۳۷۷: ۲۸۶). ماهیت این رابطه مبتنی بر اعتماد و حسن نیت استوار بود. هوراد باسکرویل^۱ داوطلبانه در قیام ستارخان و باقر خان همراه مشروطه‌خواهان تبریز می‌جنگید و در این راه کشته شد. در دومین دهه‌ی قرن بیستم مورگان شوستر^۲ برای اصلاح وضع نابسامان مالی به ایران آمد و در آغاز دهه‌ی سوم، آمریکایی‌ها قدرت خارجی مؤثری بودند که در ابطال قرارداد ۱۹۱۹، کوشش‌ها کردند و در حکومت اول و دوم پهلوی، میلیسپو^۳ به‌عنوان مستشار مالی تا بالاترین رده تصمیم‌گیری صعود کرد (بیل، ۱۳۷۱: ۲۴-۲۳).

اگرچه ظهور و هژمونی گفتمان دینی امام خمینی (ره) نقطه‌ی عطف تحول در روابط ایران با غرب سکولار به‌ویژه آمریکا است (تکیه، ۱۳۸۹: ۱۷) اما کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که به سقوط دولت قانونی محمد مصدق انجامید، نوع نگاه ایرانیان به آمریکا را به شکل بنیادین تغییر داد. این واقعه روایتی ساخت که متضمن تداوم تشنج بین دو کشور شد (تکیه، ۱۳۸۹: ۵۲). مصدق هرگز در پی ایجاد حکومت خودکامه‌ای نظیر آنچه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ هـ. ش. در دولت شاه پدید آمد، نبود. بنابراین نقطه‌ی آغازین انقلاب اسلامی را از یک منظر باید همین واقعه تلقی کرد.

حادثه‌ی دوم عملکرد سفارت آمریکا در ایران است. بحران گروگان‌گیری با توقیف دیپلمات‌های آمریکایی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ آغاز نشد بلکه با تصمیم کارتر مبنی بر پذیرش شاه برای معالجه که امکانات آن در دیگر کشورها فراهم بود، آغاز شد (Boyle, 1985: 184). حادثه‌ی گروگان‌گیری و تداوم آن، اقدامات تلافی‌جویانه آمریکا را به دنبال داشت. تحریم‌های اقتصادی، محدودیت، تحدید نفوذ ایران و تهدید نظامی و ترتیب یک عملیات نافرجام برای آزادی گروگان‌ها، اهم اقدام‌های آمریکا در این باره بود.

1 - Howard Baskerville

2- William Morgan Shuster

3- Arthur Millsbaugh

سومین نقطه‌ی عطف در روابط دو کشور، ماجرای «ایران-کنترا»^۱ که به ماجرای «مک‌فارلین»^۲ و «ایران گیت»^۳ نیز معروف است، به معامله تسلیحاتی ایران با آمریکا در اواسط دهه ۱۳۶۰ هـ. ش. بازمی‌گردد. در این ماجرا آمریکا از طریق نفوذ ایران سعی در آزادسازی گروگان‌های خود در لبنان کرد و درازای آن برخی قطعات ادوات جنگی و نظامی را که به‌واسطه تحریم امکان فروش آن‌ها به ایران نبود و جنگ ایران با عراق هم در اوج خود قرار داشت، در اختیار ایران قرار می‌داد. پول فروش این تسلیحات به‌طور پنهانی به ضد انقلابیون نیکاراگوئه (کنترا) پرداخت می‌شد (شولزینگر، ۱۳۷۹: ۶۱۱-۶۰۵). کنگره‌ی آمریکا در آن زمان کمک‌مالی به شورشیان نیکاراگوئه را ممنوع کرده بود (Keddie, 2003: 528). افشاء حقایق ماجرا یک‌بار دیگر دیدگاه بدبینانه ایران به سیاست‌های آمریکا را در پی داشت. بعضی از دست‌اندرکاران دولت ریگان سعی کردند، این عمل را اقدامی برای تقویت نیروهای میانه‌رو در ایران توجیه کنند (تکیه، ۸۹: ۵۸).

امام (ره) در این باره فرمود:

«رئیس‌جمهور آمریکا در این رسوایی باید عزا بگیرد ... یک مقام عالی‌رتبه — به قول خودشان — از آمریکا به‌طور قاچاق و با تذکره جعلی وارد ایران می‌شود در صورتی که ایران نمی‌داند چیست» (موسوی خمینی، جلد ۲۰، ۱۵۹).

بیان احساس‌آسیب‌پذیری دائمی ایران در مقابل منافع و مداخله خارجی مایه‌ای است که تقریباً در کلیه بیانیه‌های جمهوری اسلامی وجود دارد (فولر، ۱۳۷۷: ۲۹۰). علت تنفر خاص امام (ره) از کارتر، ریشه در این دارد که کارتر ایران را جزیره‌ی ثبات نامید و پس از کشتار ۱۷ شهریور برای شاه پیام تبریک فرستاد و او بود که برای سرکوب تظاهرات ضد شاه، ابزار کنترلی و گاز اشک‌آور در اختیار شاه قرارداد (کلن، ۱۳۶۲: ۱۰۸-۱۰۷).

1 - Iran-Contra Affair

2- McFarlane [Robert]

3- Iran Gate

منظومه ی گفتمانی سیاست خارجی امام خمینی(ره)

نفی هرگونه ی روابط سلطه‌گرانه جوهره‌ی اصلی گفتمان سیاسی امام خمینی(ره) در روابط خارجی است. آن چه ساختار نظام بین‌الملل را در نظریه‌های این رشته شکل می‌دهد، نحوه‌ی توزیع قدرت در سطح جهانی است و طیف‌های مختلف نظریه‌های انتقادی سعی در تبیین نابرابری‌های اجتماعی موجود و گذار از وضع موجود به وضع مطلوب دارند که در پناه یک جامعه ی آرمانی، فاصله طبقات کمتر می‌شود تا بر بی‌عدالتی موجود غلبه کند. آینده‌ی مطلوب جهان در سایه‌ی استقرار صلح و توجه به سرشت‌نیک انسان با غلبه بر خشونت ساختاری غیرطبیعی حاصل می‌شود، به‌نحوی که نظریه‌های آرمان‌گرا جایگزین نظریه‌های قدرت محور می‌شود. عنصر «فرهنگ» - که همواره مورد نظر امام خمینی(ره) بود - یکی از پایه‌های اصلی نظریه‌های انتقادی نیز هست در آرمان انقلاب اسلامی مورد نظر وی مشهود است. همین ایده، محور مبارزه با مظاهر شرق و غرب در پرتو شعار «نه شرقی؛ نه غربی» سبب نفی روابط سلطه در جهان سیاست می‌شود و زمینه‌ساز شکل‌گیری گفتمان ایشان در تحقق استقلال ایران با باورهای اسلامی می‌شود: «در عصر ما، ملت ما یافت که شاه به‌واسطه پیوندی که با غرب، مخصوصاً با آمریکا دارد و همین‌طور با شرق، تمام مخازن ما را به باد داده است؛ نیروهای انسانی ما را نیز به هدر داده است و فهمیدند جنایات فوق‌العاده‌ای که مرتکب می‌شود، به‌واسطه پیوندی است که شاه با ابرقدرت‌ها دارد» (موسوی خمینی، جلد ۵، ۶۰۵).

در گفتمان انقلاب اسلامی و در وجه ادراکی آن امام خمینی(ره) کوشید تا امر سیاسی را یک امر مقدس معرفی کند و برخلاف تصور رایج، که سیاست را بدجنسی، تقلب و تشنگی قدرت قلمداد می‌کردند، آن را یک پدیده اخلاقی معرفی کند. وجه تحریکی این گفتمان را باید در تأکید امام(ره) بر خودباوری و خوداتکایی جستجو کرد.

ایشان با نفی نگرش‌های بلوکی غرب‌گرایانه یا نگاه و اتکای افراطی به شرق به‌عنوان مبنای تصمیم‌گیری و رفتار سیاست خارجی ایران، نوعی باور به استقلال و نفی وابستگی‌ها را توصیه کرد و بر این مسأله توجه داشت.

حفظ اسلام و بازیابی عزت اسلامی

هدف سیاست خارجی موردنظر امام(ره) «گسترش نفوذ اسلام در جهان»، «کم‌کردن سلطه جهان‌خواران» (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۱، ج ۲۱: ۸۲-۸۱) و «احیاء هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان» (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۱، ج ۲۱: ۹۱) است.

«تکلیف ما این است که از اسلام صیانت کنیم ... کشته بشویم تکلیف را عمل کرده‌ایم؛ بکشیم هم تکلیف را عمل کرده‌ایم» (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۲۵۱).

«مقصد امروز ما این است که این کشور آفت‌زده، غرب‌زده و سلطنت‌زده را به اسلام برگردانیم و غرضی غیر از این نداریم» (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۵: ۴۹۶).

علت اصلی تبعید امام خمینی (ره) به ترکیه و سپس به عراق این بود که ایشان علیه مصونیت کنسولی (کاپیتولاسیون) که دولت وقت ایران تحت فشار آمریکا برای آن‌ها قائل شده بود و به شدت به تحقیر ملت می‌انجامید، سخنرانی کرد و فرمود: «ای سران اسلام، به داد اسلام برسید ... ما زیر چکمه آمریکا برویم، چون ملت ضعیفی هستیم؟! چون دلار نداریم؟! آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر. همه از هم بدتر؛ همه از هم پلیدتر اما امروز سروکار ما با این خبیث‌هاست! با آمریکا است» (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱، ۴۲۰).

ایشان برای احیاء هویت مذهبی و دینی علاوه بر تمسک بر اندیشه‌های اصیل اسلامی، بر نفی غرب‌گرایی و شرق‌زدگی تأکید می‌کرد و از طریق تمسک جستن به اسلام و احیاء ارزش‌های دینی خواستار تجدید هویت اسلامی و مذهبی بود. ایشان از یک‌سو خودباختگی، مصرف‌گرا شدن و گرایش به غرب را مانع اساسی در احیاء و تداوم هویت

اسلامی می‌شمرد و از سوی دیگر پناه آوردن به اسلام، توجه به قرآن، خودباوری و بیداری را حلال مشکل امت اسلامی می‌دانست.

امام خمینی (ره) حتی تشویق به ملی‌گرایی را مانعی بر سر راه تحقق آرمان اسلامی خود می‌دانست:

«این که من مکرر عرض می‌کنم که این ملی‌گرایی اساس بدبختی مسلمین است برای این است که این ملی‌گرایی، ملت ایران را در مقابل سایر ملت‌های مسلمین قرار می‌دهد و ملت عراق را در مقابل دیگران و ملت کذا را در مقابل کذا» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۸۷).

امام (ره) حتی در اوج جنگ که سیاست خارجی ایران تحول گفتمانی از آرمان-گرایی به مصلحت‌گرایی را تجربه می‌کرد، اصالت دقایق اسلامی و گسترش نفوذ اسلام را در اولویت می‌داند.

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، برنامه سیاست خارجی را برنامه اسلام ذکر می‌کند و می‌فرماید:

«ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم. برنامه ما برنامه اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۳۶).

مشخص است که دال مرکزی گفتمان سیاست خارجی امام خمینی (ره)، «احیاء اسلام» است. احیای اسلام قائل به پیامدهای منفی مدرنیته و سلطه نفوذ غرب بر مسلمانان هستند و در پی بازیابی قدرت مسلمانان از طریق غنا بخشی به احکام اسلام هستند. از طرفی در گفتمان امام (ره) بهره‌گیری از عناصر مدرن ذیل گفتمان احیای اسلام بازتولید می‌شود (روحانی، زمستان ۱۳۹۱: ۴۷). اصول قانون اساسی ایران نیز نماد و نمود

گفتمان انقلابی بر مبنای تفسیر اسلامی از مفهوم امت و هم‌نشینی و هم‌زمانی میان امت و ام‌القری و دارالاسلام و دارالکفر بود (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۶۷).
هنگام این بحث که «دین منبع اصلی هویت‌ساز ایرانیان بوده است»، این دین در درون خود، منحصر به فرد نیست بلکه ماهیتی اجتماعی داشته و سیاست را نیز در برمی‌گیرد. اهمیت و اولویت دین در ساخت هویت ایرانیان، ناشی از نگرش امام(ره) به اهمیت زیرساختی و زیربنایی فرهنگ است (خسروی، تابستان ۱۳۹۰: ۱۶).

اصل رابطه با کلیه کشورها و احترام متقابل

امام خمینی (ره) درباره‌ی احترام متقابل و عدم دخالت در امور یک دیگر بر این عقیده است که:

«ما با هیچ‌ملتی بد نیستیم. اسلام آمده بود برای تمام ملل، برای ناس ... ما اعلام می‌کنیم که نظر تجاوز به هیچ‌یک از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی نداریم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۴).

ایشان در جای دیگری می‌فرماید:

«ملت ایران اجازه نمی‌دهد که هیچ مملکتی در امور داخلی او دخالت کند و آزادی و استقلال خودش را حفظ می‌کند و با تمام کشورها هم به‌طور متقابل عمل خواهد کرد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۲۲: ۱۴۶).

حضرت امام(ره) در موارد متعدد به این مسأله (روابط حسنه و متقابل) در سیاست خارجی اشاره کرد؛ وقتی خبرنگار مجله آمریکایی تایم از ایشان می‌پرسد: «در جمهوری اسلامی، به‌طور کلی سیاست خارجی شما چگونه خواهد بود؟» امام(ره) در جواب می‌فرماید: «جمهوری اسلامی ما با تمام ممالک روابط حسنه دارد و احترام متقابل قائل است؛ در صورتی که آن‌ها هم احترام متقابل قائل باشند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۲۷۵). به نظر

امام خمینی (ره) رابطه‌ی دوستانه با کلیه‌ی کشورها برحسب «طبع اولی» امری پسندیده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۱۵۳).

«این معنا که گاهی اهل غرض یا جهال این حرف را می‌زنند که نباید روابط داشته باشیم از باب این است که یا نمی‌فهمند یا غرض دارند، زیرا تا انسان جاهل یا مخالف با اصل نظام نباشد، نمی‌تواند بگوید یک نظام باید از دنیا منعزل باشد... اسلام یک نظام اجتماعی و حکومتی است و می‌خواهد با همه عالم روابط داشته باشد. در زمان صدر اسلام که خود رسول‌الله... سفیر می‌فرستادند به اطراف، این حرف را نمی‌زدند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۹: ۴۱۳).

ناگفته پیداست که اصل مزبور مقید به «عدم‌مداخله» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۱۴۲)، «احترام‌متقابل» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۲۷) و «ارتباط متوازن و عادلانه» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۳۳) است.

امام خمینی (ره) بر این اعتقاد است که صلح در صورت نفی خودخواهی و سرکشی‌های نفسانی و تحقق محیطی امن، پایدار می‌ماند؛ لذا در صورتی که منشأ نزاع‌ها و اختلاف‌ها یعنی خود‌گرایی به خدا‌گرایی جهت یابد، بشریت روی صلح و آرامش و ثبات را در جهان نخواهد دید.

اصل دعوت و صدور انقلاب اسلامی

یکی از اهداف سیاست خارجی ایران در قانون اساسی، تداوم تفکر انقلاب در داخل و خارج است (فلاح‌نژاد، ۱۳۸۴: ۶۳). گروگان‌گیری و ماجرای سفارت که از سوی امام (ره) انقلاب دوم نامیده شد، دو اصل را وارد سیاست خارجی و قانون اساسی ایران کرد: اولی «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» و دومی «صدور انقلاب» (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۵۹).

نامه مورخه ۱۳ دی ۱۳۶۷ امام (ره) به گورباچف، نمونه عینی اصل دعوت در سیاست خارجی وی است. امام (ره) در راستای بنای امن سیاست خارجی، اقدام خود در ایجاد جبهه ی- متحد اسلامی را ملهم از اصل گسترش دعوت اسلام و در ادامه اقدامات آخرین فرستاده خدا ارزیابی می‌کند. دقیقه «صدور انقلاب» به‌عنوان یکی از اصول سیاست خارجی ریشه در اعتقادات وی و فرهنگ سیاسی ایران اسلامی دارد (رمضانی، ۱۳۸۰: ۵۸).

در طول تاریخ همه انقلابی‌ها کوشیده‌اند اصول انقلاب خود را ترویج دهند (گلدستون، ۱۳۸۵: ۲۰۹) و می‌خواهند خوشبختی موردنظر خود را، به خارج هم بگسترانند (بریتون، ۱۳۶۲: ۲۲۶).

قدرت ایدئولوژی انقلابی به حدی است که می‌خواهد بهشت موعود خود را به زمین بیاورد (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۸۵) و اگر این ایدئولوژی، قابلیت دسترسی، مشروعیت و اعتبار بیشتری در معنای خود داشته باشد، موفق به طرد دیگر گفتمان‌ها خواهد شد (خلیلی و محمودی، پاییز ۱۳۹۰: ۹۵) که این امر از طریق «غیریت‌سازی» صورت می‌پذیرد. اهداف اصلی صدور انقلاب در پرتو فرهنگ سیاسی ایرانی - اسلامی و فکر سیاسی امام خمینی (ره) عبارتند از: به‌صورت کوتاه‌مدت، وسیله‌ای برای دفاع از جمهوری اسلامی و تأمین امنیت بین‌المللی جمهوری اسلامی (به‌ویژه در خلیج فارس) و به‌صورت درازمدت، وسیله‌ای برای استوارنمایی نظمی جهانی زیر چتر عدالت اسلام (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۶۵). امام خمینی (ره) صدور انقلاب از طریق زور را منع کرد و بر رفتار خوب اسلامی در این زمینه تأکید داشت (رمضانی، ۱۳۸۰: ۶۵-۶۶).

«ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم؛ چراکه انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لاله‌الله‌الاکبر بر تمام جهان طنین نیفکند، مبارزه هست و تا مبارزه در هرکجای جهان علیه مستکبران هست، ما هستیم» (موسوی‌خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۱۴۸).

ایده‌ی اصلی در صدور انقلاب نه دقیقاً پرداخت اروپا محوری و به زبان جامعه بین‌الملل پس از معاهده وستفالیا، بلکه در تعریف وسیع کلمه، بخشی از روابط بین‌الملل کهنه و کنونی است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۵۵).

صدور انقلاب بر مبنای ترویج گفتمان انقلاب اسلامی است که به دلیل جهان-شمولی دین اسلام، متضمن آگاهی‌بخشی و رهایی‌بخشی دیگران است (دهقانی فیروزآبادی و رادفر، ۱۳۸۹: ۴۲-۴۰). حادثه‌ی گروگان‌گیری به‌مثابه‌ی نقطه‌ی آغازین برتری نسبی گفتمان آرمان‌گرایی و روی کرد صدور انقلاب درمقابل گفتمان واقع-گرایی بود (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، بهار ۱۳۸۲: ۶۵).

منظور امام (ره) از صدور انقلاب، صدور بیداری است و موضوع آن علاوه بر ملت‌ها، دولت‌ها (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۲۵۱) به‌خصوص ابرقدرت‌هایی هم‌چون آمریکا (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۳: ۲۶۳) نیز هست.

استقلال و نفی سلطه

تأکید امام (ره) در سیاست خارجی بر روابط مسالمت‌آمیز است و هرگاه بدون زورگویی و سلطه‌طلبی و تعدی باشد، این ارتباط و تحکیم رابطه سفارش می‌شود.

«ما با هیچ‌کدام از ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها سرسازش نداریم، نه تحت‌سلطه‌ی آمریکا می‌رویم و نه زیر بار شوروی. ما مسلمانیم و می‌خواهیم زندگی کنیم. ما می‌خواهیم زندگی فقیرانه داشته‌اشیم، ولی آزاد و مستقل باشیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۵: ۳۴۰-۳۳۹).

راهبرد عدم تعهد به معنای نداشتن هیچ‌گونه تعهد در قبال قدرت‌ها و نپذیرفتن سلطه آن‌ها و نداشتن وابستگی است. با این سیاست، جمهوری اسلامی هویتی مستقل از قدرت‌ها و ابرقدرت‌های جهان قائل است.

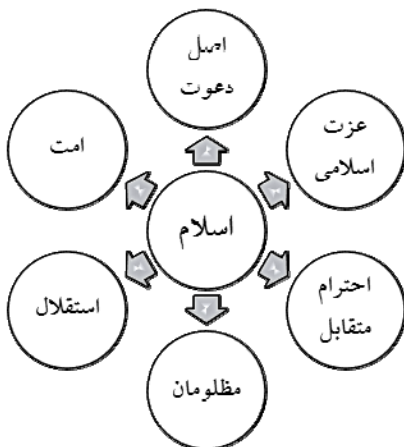
حتی اگر حکومت بر مبنای تعالیم و شریعت اسلام عمل کند، برای موفقیت در عرصه‌ی جهانی می‌بایست سطحی از استقلال اقتصادی را داشته باشد و در این مسیر تحمل سختی‌ها و تلاش برای غلبه بر آن‌ها نه تنها یک اصل که یک تکلیف و باید است:

«مردم وفادار و انقلابی کشورمان برای به دست آوردن استقلال واقعی و رسیدن به خودکفایی، خیلی بیش از این‌ها آماده صبر و فداکاری هستند و من مطمئنم که ملت عزیز ایران یک‌لحظه استقلال و عزت خود را با هزار سال زندگی در ناز و نعمت، ولی وابسته به اجانب و بیگانگان معاوضه نمی‌کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۲۱: ۲۰۰).

البته نباید از تأکید حضرت امام (ره) بر نفی سلطه در مناسبات خارجی، گسست از عرصه‌ی تعاملات بین‌المللی نتیجه گرفته شود و همان‌طور که اشاره شد، ایشان سیاست انزعال را خلاف عقل و شرع معرفی می‌کند و ضمن تأکید بر رابطه با همه دولت‌ها، بستن مرزها به روی کشورها و قطع روابط دیپلماتیک با آن‌ها را به معنای فنا، هلاکت و مدفون شدن کشور تلقی می‌کند و از طراحان سیاست انزوا انتقاد می‌کند و می‌فرماید:

«ایران امروز نمی‌تواند این‌طور باشد، بلکه کشورهای دیگر هم نمی‌توانند این‌طور باشند که در یک‌جا بنشینند و مرزهایشان را ببندند، این غیرمعقول است، امروز دنیا مانند یک عائله و یک شهر است وقتی دنیا وضعش این‌طور است ما نباید منعزل باشیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۹: ۴۱۳).

چنانچه در اندیشه امام خمینی (ره) مشخص است، هویت‌ها دستاورد گفتمان هستند؛ واقعیت‌های اجتماعی دستاورد گفتمان است و در ظرف آن شکل می‌گیرند و از آن جا که گفتمان امری سیال و نسبی است، هویت نیز متغیر و دگرگون شونده است. (تاجیک، ۱۳۷۶: ۴۵). بسته به این‌که کدام دال یا دال‌ها نقش محوری را در برهه‌ای از زمان و مکان ایفا کنند، سایر واقعیات و از جمله هویت نیز متحول می‌شود.



شکل ۲. مفصل‌بندی گفتمان سیاست خارجی امام خمینی^(ره) (نگارندگان)

گفتمان امام (ره) پیرامون آمریکا

دقت در مبانی گفتمان امام خمینی (ره) پیرامون سیاست خارجی مشخص می‌کند که امکان- مصالحه با آمریکا اگرچه ناممکن نیست اما امری بسیار دشوار می‌نماید. بعد از انقلاب، الگوی رفتاری دولت‌های آمریکا با ایران مصداق بارز سیاست «یک بام و چند هوا» است. دولت آمریکا باید شناسایی عملی ایران را نه فقط در حرف، به‌عنوان کشوری مستقل و قدرتی منطقه‌ای با منافع مشروع را تضمین کند. بعد از انقلاب اسلامی، ایران نشان داده که موضع نوکرمانه در قبال هیچ کشوری را بر نمی‌تابد (پیمانی، ۱۳۸۶: ۱۸۹). آمریکا برای ایران امروز، نقش‌های «درد و درمان»، «تهدید و فرصت»، «زخم آفرین و مرهم»، «آتش‌وآب» را توأمآ ایفا می‌کند (تاجیک، زمستان ۱۳۸۶: ۱۴۹).

مخالفت با تفکر اسلامی

تأکید امام (ره) روی مسائلی چون آگاهی ملت‌ها، وحدت کلمه، ارجحیت حیات روحانی و مذهبی بر حیات مادی و دنیوی، اصلاح و استقلال فرهنگی و روحیه‌ایمانی، نشان از نقش‌برتر عوامل معنوی قدرت بر عوامل مادی آن در دیدگاه‌های ایشان دارد.

«آمریکا می‌خواهد با تمام قوا بین مسلمین اختلاف بیندازد»

(موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۵: ۴۰۵).

«دیروز ممالک اسلامی به چنگال انگلیس و عُمال آن مبتلا بودند امروز به چنگال آمریکا و عُمال آمریکاست ... آمریکاست که اسلام و قرآن را به حال خود مضر می‌داند و می‌خواهد آن‌ها را از جلوی خود بردارد، آمریکاست که با ملت اسلام معامله وحشی‌گری و بدتر از آن می‌نماید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۴۱۱).

هرچند که تمایل به داشتن دشمن و هویت سیاسی ذاتی است، اما معیار خاص و ذاتی برای دشمنی وجود ندارد و به‌عبارتی دیگر چنین معیاری ترجیحی است (Kelanic, 2008: 19)؛ این درحالی‌است که در نگرش امام خمینی (ره) به دلیل ابتناء بر مفروضات، معیارها انتخابی نیست بلکه مشخص و از پیش موجودند.

غیرقابل اعتماد بودن آمریکا

مواردی از قبیل حمایت از شاه و گروه‌های مخالف انقلاب اسلامی، کشف ماهیت فعالیت‌های سفارت آمریکا، حمله‌ی نظامی به ایران، ماجرای مک‌فارلین موجبات سلب اعتماد امام (ره) از این کشور را در پی داشت.

«من کراراً گوشزد نموده‌ام که رابطه ما با امثال آمریکا، رابطه ملت مظلوم با جهان-

خواران است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۲۳۳).

«اگر آمریکا از یک جایی یا از جاهایی تعریف می‌کند، تعریف از خودش است، برای این که می‌بیند همه مطیع او هستند ... شما بدانید که اگر یک کلمه این ملت بر وفق رأی او حرف بزند، تمام اوضاع را او برمی‌گرداند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ۴۷۲).

ایشان در اولین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی می‌فرماید:

«دست آمریکا و سایر ابرقدرت‌ها تا مرفق به خون جوانانمان و سایر مردم مظلوم و رزمنده جهان، فرورفته است. ما تا آخرین قطره خون خویش با آنان می‌جنگیم، چرا که مرد جنگیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۱۴۷).

حمایت از حکومت شاه

با توجه به سیاست‌های حکومت پهلوی در ایران، امام خمینی (ره) همواره منتقد این سیاست‌ها بود و یکی از دلایل اعمال آن‌ها را حمایت‌های آمریکا از شاه می‌دانست:

«ملت ایران با دولت ایالات متحده یا هر دولت دیگری که از شاه و جنایات او حمایت می‌کند تازمانی که آزادی و استقلال کشور تأمین نشده است، مذاکره‌ای نخواهد داشت» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۴: ۳۳۶).

ایشان در آذرماه ۱۳۵۷ در مصاحبه با روزنامه لبنانی السفير می‌فرماید:

«آمریکا با کودتای نظامی، مجدداً شاه را بر ایران تحمیل کرد و به نام مدرنیزه کردن مملکت، انقلاب آمریکایی شاه را به راه انداخت و دیدیم که نتیجه تمام این انقلاب به سود آمریکا و خرابی ایران بود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۷۹).

و در مصاحبه با یکی از استادان دانشگاه راتجزز آمریکا عنوان می‌کند:

«من از مردم آمریکا می‌خواهم که هرچه زودتر به نفع مردم مظلوم ایران اقدام کنند و از آقای کارتر و دولت آمریکا بخواهند تا از شاه پشتیبانی نکنند و افکار عمومی جهان را علیه مردم آمریکا نشورانند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۲۹۸).

سیطره‌ی سیاسی اقتصادی و وابسته کردن کشورها

امام (ره) در سخنرانی خود هنگام بازگشت به ایران در بهشت‌زهرا (س) می‌فرماید: «ما، هم نفت دادیم و هم پایگاه برای آن‌ها درست کردیم؛ آمریکا با این حيله که این مرد هم دخالت داشت، نفت ما را برد و برای خودش در عوض پایگاه درست کرد. اسلحه آورده این‌جا که ارتش ما نمی‌تواند این اسلحه را استعمال بکند، باید مستشارهای آن‌ها باشند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۶: ۱۵).

و در مصاحبه با نشریه‌ی لوموند فرانسه تصریح می‌کند:

«آمریکا می‌خواهد که همه کشورها را زیر نفوذ خود داشته باشد ولی ما چنین تصویری را نمی‌توانیم بپذیریم و ملت از آن خسته شده است، ملت‌های دیگر نیز با پیروی از ملت ما خود را از دست‌اندازی استثمار رهایی خواهند داد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۱۴).

ایشان تمامی گرفتاری‌های شرق را از جانب غرب، به‌ویژه آمریکا می‌داند:

«الآن تمام گرفتاری ما از آمریکاست. تمام گرفتاری‌های مسلمین از آمریکاست» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ۳۹۲).

رهایی از شرق و غرب در مناسبات بین‌المللی در ضمن تعامل با همه کشورها و دولت‌ها در سایه احترام، متضمن حضور قدرتمند در صحنه‌ی جهانی است. پیش‌شرط این رویه «استقلال‌فکری» در داخل با اخذ الگوهای مطلوب از دیگر کشورها و الغاء عناصر نامطلوب است چرا که نداشتن رابطه با دیگر دولت‌ها را «هیچ عقل و هیچ انسانی نمی‌پذیرد، چون معنایش شکست‌خوردن و فنا و مدفون‌شدن است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۹: ۹۳). جان کلام امام (ره) در این باره این است که: «رهایی از وابستگی، هم آغوشی با عزت را در پی دارد».

عدم رعایت احترام متقابل

رعایت احترام متقابل یکی از اصول مسلم در رفتار خارجی کشورهاست. در گفتمان امام خمینی (ره) این قاعده‌ی کلی حتی درباره آمریکا خدشه‌دار نمی‌شود:

«روابط ما با آمریکا و هم‌چنین با سایر کشورهای جهان بر اساس احترام متقابل خواهد بود. ما برای آمریکا حق تعیین سرنوشت خودمان را قائل نخواهیم بود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۱۵۷).

«اگر آمریکا به نحو صحیح رفتار کند و در امور داخلی ما مداخله نکند و مشاوران خود را که در امور کشور ما دخالت دارند، فراخواند، ما نیز آن‌ها را احترام خواهیم گذاشت» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۱۴).

«ما نمی‌خواهیم به آمریکا ظلم بکنیم و نمی‌خواهیم زیر بار ظلم آمریکا برویم، کارهایی که کرده‌اند، ظلم به ما بوده که آن را تحمل نخواهیم کرد. ما روابط با همه ملت‌ها داریم و دولت‌ها هم اگر با ما به‌طور احترام رفتار کنند، احترام متقابل را داریم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۱۴۸).

امام (ره) در نوزدهم فروردین ۱۳۵۹ در جمع نمایندگان ستاد نیروی هوایی و عشایر فارس می‌فرماید:

«اگر کارتر در عمر خود یک کار کرده باشد و بتوان گفت به خیر و صلاح مظلوم است، همین قطع رابطه است. رابطه بین یک ملت به‌پا خاسته برای رهایی از چنگال چپاولگران بین‌المللی با یک چپاولگر عالم خوار، همیشه به ضرر ملت مظلوم و به نفع چپاولگر است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۲۳۳).

ایشان در خرداد ۱۳۶۶، در جمع مسئولان لشکری و کشوری درباره مصالحه با آمریکا سیاست مشخص خود را بیان می‌کند:

«یک دسته‌ای نصیحت می‌کنند ما را که شما باید صلح بکنید، این مال ضعف است ... ملت ما حاضر نیست به این‌که دوباره در این دام وارد بشود، دوباره مستشارهای آمریکا بیاید و هر حکومتی می‌خواهد بکند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۲۰: ۲۷۳).

مخالف آمریکا با انقلاب اسلامی

امام خمینی (ره) در پیام خود به مناسبت نوروز ۱۳۵۹ هـ. ش، یک‌بار دیگر دلیل گفتمان تقابلی خود با دولت آمریکا را اعلام می‌کند:

«خطر آمریکا به حدی است که اگر کوچک‌ترین غفلتی کنید، نابود می‌شوید. هر دو ابرقدرت کمر به نابودی ملل مستضعف بسته‌اند و ما باید از مستضعفین جهان پشتیبانی کنیم. ما باید در صدور انقلابمان به جهان کوشش کنیم و تفکر این‌که ما انقلابمان را صادر نمی‌کنیم کنار بگذاریم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۱۹).

ایشان در پیامی به حجاج بیت‌الله الحرام در مراسم حج سال ۱۳۶۷ هـ. ش. یک‌بار دیگر سنگ‌اندازی‌های آمریکا بر سر راه تفکر انقلاب اسلامی ایران را یادآور می‌شود:

«البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم‌کردن سلطه جهان خواران بوده و هستیم، حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۲: ۲۰۲).

دیدگاه امام (ره) درباره‌ی مردم آمریکا

امام (ره) همواره حساب دولت‌های زورگو را از ملت‌های آن‌ها جدا می‌دانست؛ «راجع به ملت‌ها، حتی ملت آمریکا و هر ملت دیگری، ملت ما و ما ابداً مخالفتی با آن‌ها نداریم و از آن‌ها هم به ما ظلمی نشده است که ما مخالفت با آن‌ها داشته باشیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۱۲۳).

«ما اول باید حساب ملت آمریکا را از دولت آمریکا جدا کنیم ما به هیچ وجه مقابل با ملت آمریکا نیستیم ... این ملتی که الآن دارند فریادمی‌زنند «مرگ بر آمریکا» مقصودشان کارتر است، ملت آمریکا که به ما کاری نکرده، ملت آمریکا اگر بفهمد مطلب را، به حسب وجدان انسانی‌اش با ما موافق است» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۱۶۲).

ایشان در مصاحبه با ریچارد کاتم استاد علوم سیاسی از آمریکا، یک‌بار دیگر تأکید خود در این باره را تکرار می‌کند:

«کارتر می‌رود. اما میزان، ملت آمریکاست، ما می‌خواهیم تمام بشر زندگی در صلح کند و ما با ملت حسن ظن داشته باشیم. کارهای کارتر ملت ما را به بدبینی به ملت آمریکا می‌کشاند. شما باید چاره‌ای بیندیشید. تنه‌ی به دولت بدهید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۲۸۸).

شرایط برقراری روابط دو کشور

نظر به این که گفتمان امام خمینی (ره) هرگز در نوع رابطه با کشورها متصلب نیست، ایشان هرگز راه‌مصالحه با کشورها را مسدود، رها نکرده است:

«اگر می‌گویند که ما با دنیا رابطه داشته باشیم، رابطه‌ی متقابل و دوستی باشد، ما باید با همه دنیا روابط داشته باشیم. اگر این‌طور رابطه باشد، ما هرگز نمی‌خواهیم که رابطه با این‌ها داشته باشیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۳۰۳).

امام (ره) در سخنرانی خود در ۶ آبان ۱۳۶۳ در جمع نمایندگان جمهوری اسلامی در اروپا، شرط مصالحه با آمریکا را تشریح می‌کند:

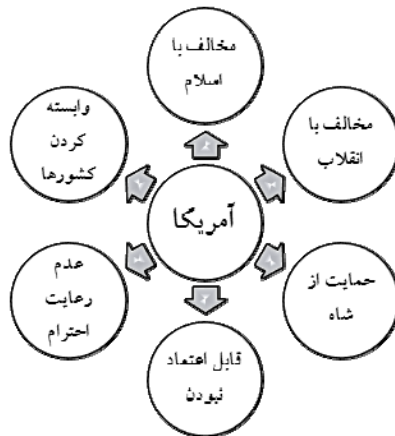
«اگر آمریکا به‌نحو صحیح رفتار کند و در امور داخلی ما مداخله نکند و مشاوران خود را که در امور کشور ما دخالت دارند، فراخواند، ما نیز آن‌ها را احترام خواهیم گذاشت» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۱۴).

و در مصاحبه با روزنامه نیویورک تایمز بر این اصل تأکید دارد:

«مادامی که آن‌ها روابط داشته باشند، روابط حسنه است اگر چنانچه دولت آمریکا دست از پشتیبانی شاه بردارد و دست از دخالت در مملکت ما بکشد و ما را به حال خود بگذارد، با او روابط حسنه خواهیم داشت» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۳۰).

بدیهی است، نگرانی امام (ره) از آمریکا، الگوی رفتاری دولت مردان این کشور با ایرانیان است:

«ما تا آخر ایستاده‌ایم و با آمریکا روابط ایجاد نخواهیم کرد، مگر این‌که آدم بشود و از ظلم کردن دست بردارد و از آن طرف دنیا نیاید در لبنان و نخواهد دستش را به طرف خلیج فارس دراز کند. مادامی که آمریکا این‌طور است، ما با آن‌ها نمی‌توانیم زندگی بکنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۹: ۹۵).



شکل ۳. مفصل‌بندی گفتمان سیاست خارجی امام خمینی (ره) پیرامون آمریکا (نگارندگان)

بررسی امکان یا عدم امکان رابطه‌ی ایران و آمریکا

هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی، واکنشی در برابر یک «دگر رادیکال خارجی» به اسم «آمریکا»، است (تاجیک، زمستان ۱۳۸۶: ۱۳۶). غرب با محوریت آمریکا، به‌عنوان «دگر» در برابر «خود» امت اسلامی تعریف می‌شود؛ «دگری» که ماهیتی توسعه‌طلبانه، غارت‌گر و سرکوب‌گر دارد. حتی بر مبنای سیاست «نه شرقی؛ نه غربی»، قدرت‌های شرقی هم در صورت اعمال سیاست‌های مشابه غرب، از این قاعده مستثنا نخواهند بود (Moshirzadeh, Spring2010: 176).

نظم امنیتی منطقه‌ای که آمریکا بر اساس دکترین نیکسون (عربستان به‌منزله ستون-مالی و ایران به‌عنوان ستون نظامی در دهه ۱۳۵۰ ه. ش. شکل داده بود با وقوع انقلاب اسلامی و لغو پیمان سنتو (که حلقه وصل ناتو و سیتو بود) برهم‌خورده. ترکیه عضو هر دو پیمان ناتو و سنتو بود و پاکستان هم در سنتو و سیتو حضور داشت و با این ترتیبات امنیتی، دسترسی آمریکا به جنوب شرق آسیا تسهیل می‌شد. ایران با لغو عضویت در پیمان سنتو، حلقه‌های امنیتی آمریکا را از هم جدا کرد. از این رو، آمریکا با همه قوا در مقابل ایران موضع‌گیری کرد. (معبادی، ۱۳۸۱: ۶۳) سایر قدرت‌های دارای حق و تو نیز از انقلاب اسلامی حمایت نکردند و در این وضعیت، از طرف عراق جنگ نیز بر ایران تحمیل شد.

یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه در زمان حیات امام خمینی (ره) و چه پس از رحلت ایشان این بود که «با وجود سابقه‌ی سلطه-جویانه آمریکا، آیا شخص امام (ره) نظر مثبتی در خصوص رابطه با این دولت دارد؟». دقت در منظومه‌ی گفتاری ایشان پاسخ این پرسش را روشن می‌کند، به‌خصوص در پاسخ به پرسش خبرنگاری که می‌پرسد «رابطه‌ی یک دولت اسلامی و دولت آمریکا در آینده چگونه خواهد بود؟» فرمود: «باید ببینیم آمریکا خودش در آینده چه نقشی دارد. اگر

آمریکا بخواهد، همان‌طور که حال با ملت ایران معامله‌می‌کند با ما رفتار کند، نقش ما با او خصمانه است و اگر چنان‌چه آمریکا به دولت ایران احترام بگذارد ما هم با همان احترام- متقابل عمل می‌کنیم و با او به‌طور عادلانه، که نه به او ظلم کنیم و نه به ما ظلم کند، رفتار خواهیم کرد و اشکال پیش نمی‌آید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج: ۴: ۳۳۲).

لذا علی‌رغم گذشته‌ی نه‌چندان روشن روابط دو کشور بر مبنای اصل رابطه‌ی سالم و عزت‌مندی دوجانبه، امکان برقراری روابط دوجانبه رد نمی‌شود. سیاست خارجی جمهوری اسلامی از نگاه حضرت امام (ره) بر اساس حفظ استقلال و آزادی ملت و دولت، احترام متقابل، بی‌طرفی و منافع و مصالح ملی و اسلامی استوار است. ایشان، حتی در اوایل انقلاب، در مورد جریان صدور نفت به غرب اعلام- داشت «مادامی که روابط در چارچوب منافع ایران بگنجد مشکلی در این زمینه پیش نمی‌آید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج: ۵: ۴۵۰).

برقراری روابط با شرط پذیرش اقتدار ایران

منافع استراتژیک در خاورمیانه، آسیای مرکزی و قفقاز و علاقه به بازارهای مناطق تولیدکننده انرژی، مقابله با افراط‌گرایی منطقه‌ای در حال ظهور و تکوین یافته، مجموعه دلایل است که ضرورت تغییر در سیاست‌های آمریکا در قبال ایران را ضروری می‌کند (پیمانی، ۱۳۸۶: ۱۸۹).

رهیافت سیاست خارجی امام (ره) یک انقلابی‌گری اخلاقی مبتنی بر عقل سلیم (نگرش عرفانی به جهان، شجاعت اقدام و احترام به قواعد متعارف بین‌المللی) است (طاهایی، بهار ۱۳۸۸: ۷۹). یکی از عرصه‌های توجه به عقل سلیم در روابط خارجی، ماهیت رابطه با آمریکا است و امام (ره) در سال ۱۳۶۴ عنوان می‌دارد که «کم‌کم باید روابط [جمهوری اسلامی با همه‌ی دنیا] حسنه شود ... منتهی نباید تحت سلطه خارجی باشیم»

(موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۳: ۵۹۸). این عقلانیت در برقراری روابط با دولت آمریکا با خوش بینی نیز همراه است: «روابطی که مبتنی بر احترام متقابل است، انشا الله برقرار می شود» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۷۰).

اگرچه اوج نگاه بدبینانه‌ی امام خمینی (ره) درباره آمریکا در این فراز از گفتمان ایشان مشخص است:

«شرافتی نیست رابطه داشتن با امثال آمریکا، دولت آمریکا یک شرافت انسانی مع‌الأسف الآن ندارد که ما بخواهیم به واسطه آن شرافت انسانی‌اش با آن رابطه داشته باشیم. دولت آمریکا این است که دارید می بینید که مظلوم را در هر جا پیدا می کند پوست می کند، هر جا بتواند می رود و بمب [روی] سرشان می ریزد، هر چه بتواند ذخایر ملت‌ها را می برد، ما بخواهیم روابط با این‌ها داشته باشیم؟ بهتر این است که ما با این‌ها روابط نداشته باشیم، بهتر این است با آن‌هایی که می خواهند ما را بچاپند رابطه نداشته باشیم» (موسوی - خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۱: ۳۰۳).

اما گاهی برای حفظ ام‌القری باید با برخی دولت‌ها، علی‌رغم فساد و جورشان، رفتار ملایم داشت و برای حفظ آن می توان جام‌زهر را نوشید (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۲۰).

امام خمینی (ره) در پاسخ به پرسش «آیا تغییری در اتحاد شما با آمریکا رخ خواهد داد؟» می فرماید: «ما با ملت آمریکا روابط دوستانه داریم و با دولت آمریکا روابطی برقرار می کنیم که به نفع ملت ایران باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۷). ایشان حتی راه‌حل مطلوب پیش روی آمریکا را ترسیم می کند: «در مورد آمریکا، وقتی که واشنگتن از حمایت شاه و دولت بختیار دست بردارد، همه عداوت‌ها نسبت به آمریکا از میان خواهد رفت» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۴۷).

نتیجه‌گیری

دال‌های احصاء‌شده از منظومه‌ی گفتمانی امام خمینی (ره) نشان می‌دهد که داشتن روابط با کشورها (حتی اگر امریکا باشد) نه‌تنها اصل مهمی در مناسبات سیاسی- اقتصادی است بلکه در صورت تضمین سلامت، زمینه‌ی رشد و توسعه هر کشوری را فراهم می‌کند. تشبیه چنین روابطی به یک چاقو که هم می‌تواند سبب قتل یک انسان شود و هم ابزاری در تسهیل امور روزمره انسان‌ها شود، پُر بی‌راه نیست. پس کشورها اگر خود را در موضع قدرت می‌بینند، مجوز نادیده گرفتن اصول اخلاقی و احترام‌متقابل را در ارتباط با سایرین ندارند و اگر آمریکا رفتار «سلطه‌طلبانه‌ی» خود را کنار می‌گذاشت، امام خمینی (ره) محدودیتی در رابطه با این کشور قائل نبود.

اگر روابط میان دو کشور بر این اصول استوار باشد، هیچ‌وقت رابطه به وابستگی تبدیل نخواهد شد، در غیر این صورت رابطه، عین وابستگی است و وظیفه دستگاه سیاست خارجی است که به‌وضوح میان این دو تمایز قائل شود و اگر شرایط ایجاب کرد و امکان هرگونه سوءاستفاده سلب‌شد، اقدام جدی کند.

امکان رسیدن به اهداف و منافع ملی برای کشورها با شعار و تکیه بر تفکر انتزاعی و بعضاً بدون پشتوانه فکری و یا از روی احساسات موقتی و گذرا، هرگز عملی نخواهد شد. پیچیدگی روابط کشورها در همه‌ی عرصه‌ها ایجاب می‌کند، ابعاد ایدئولوژی‌های هر کشور در سیاست خارجی بر اساس محیط بین‌المللی پی‌ریزی شود تا نقش اثر کشورها در این عرصه اگر نه به‌طور کامل که با حداکثر کسب منافع همراه باشد.

دنیای امروز یک دنیای به‌هم‌پیوسته است که کشورها گریزی از ارتباط صحیح و در چارچوب منافع مشترک در آن ندارند. بر هیچ‌یک از سیاست‌مداران و مردمان جهان پوشیده نیست که آمریکا در بسیاری از موارد صداقت در روابط را رعایت نمی‌کند اما این هنر کشورهای مقابل آمریکا است که تهدیدها را به فرصت بدل کنند. سلطه‌ی یک‌طرفه آمریکا

در جهان سیاست هرروز نمود بیشتری می‌یابد و نمونه بارز آن چالش‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌های ناجوانمردانه علیه جمهوری اسلامی ایران است. به‌منظور تعقیب آرمانی واقعیت‌های جهان آشوبناک و بر مبنای منظومه‌ی گفتمانی امام خمینی (ره) و با تکیه بر اصول روابط خارجی یک دولت با ماهیت اسلامی، هنر مورد نظر بایستی تقویت شود تا منافع ایران در همین شرایط دشوار تأمین شود.

دولت اوپاما اگرچه روند پیشین خصمانه در قبال ایران را دنبال اما این را نباید از نظر دور داشت تا حدودی چرخش گفتمانی هم صورت گرفته است (و از برخی چارچوب‌های محض و اشتباه فاصله گرفته‌اند) و اگر از کوچک‌ترین روزه‌ها بیشترین بهره به دست آید، می‌توان به اندیشه امام (ره) رجوع کرد. بدون شک هیچ عقل سلیمی روابط با ذلت در سیاست خارجی را نمی‌پذیرد اما در دنیای امروز که با گسترش ارتباطات، حکم دهکده‌ای-جهانی را با خود دارد، تکیه بر یک ایدئولوژی، مصالح یک کشور را به بار نخواهد نشاند و روی کرد چندجانبه در روابط بین‌المللی بیش از گذشته مؤثر خواهد بود.

منابع

- اسپوزیتو، جان ال. (۱۳۸۲)، «انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن»، ترجمه محسن مدیرشانه-چی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- اطهری، حسین و زمانی، سمیه. (پاییز ۱۳۹۲). «تحلیل انتقادی گفتمان صدورانقلاب امام خمینی (ره)» (۱۳۶۰-۱۳۵۷)، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۰، شماره ۳۴.
- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵)، «تحلیل گفتمان انتقادی»، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بریتون، کرین. (۱۳۷۶)، «کالبدشکافی چهار انقلاب»، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات سیمرغ.
- بیل، جیمز ا. (۱۳۷۱)، «شیر و عقاب: روابط بدفرجام ایران و آمریکا»، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی و دیگران، تهران: انتشارات فاخته.
- پیمانی، هومن. (۱۳۸۶)، «ایران و آمریکا: ظهور گروه‌بندی منطقه‌ای غرب آسیا»، ترجمه: قاسم شبان‌نیا، قم: مؤسسه امام‌خمینی (ره).
- تاجیک، محمدرضا و دهقانی‌فیروزآبادی، جلال. (بهار ۱۳۸۲). «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان‌های سیاست‌ خارجی ایران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۷.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۶). «کلمه نهایی: شکل‌گیری گفتمان‌های هویت در ایران»، فصلنامه پژوهش، سال ۲، شماره ۷.
- تاجیک، محمدرضا. (زمستان ۱۳۸۶). «هگل و رابطه ایران و آمریکا»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۲.
- تکیه، ری. (۱۳۸۹). «ایران مخفی (نقد و بررسی)»، ترجمه و تلخیص: ولی محمد احمدوند، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جکسون، رابرت و سورنسون، گئورگ. (۱۳۸۳)، «درآمدی بر روابط بین‌الملل»، ترجمه مهدی ذاکریان و دیگران، تهران: نشر میزان.

- حقیقت، صادق و حسینی زاده، محمدعلی. (۱۳۸۷)، «گفتمان، در: عباس منوچهری، رهیافت و روش در علوم سیاسی»، تهران: انتشارات سمت.
- حقیقت، صادق. (۱۳۸۵). «روش‌شناسی علوم سیاسی»، قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خسروی، علیرضا. (تابستان ۱۳۹۰). «امام‌خمینی (ره) و بازسازی هویت»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱۲، شماره ۲.
- خلیلی، محسن و حمیدی، سمیه. (پاییز ۱۳۹۰). «تحلیل‌گفتمان مفهوم صدور انقلاب از منظر خبرگان قانون اساسی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۷.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال و رادفر، فیروزه. (۱۳۸۹)، «الگوهای صدور انقلاب»، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- رضائی، روح‌ا.... (۱۳۸۰). «چارچوبی تحلیلی بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی- ایران»، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- روحانی، حسن. (زمستان ۱۳۹۱). «گفتمان امام‌خمینی (ره) پیرامون امنیت ملی و سیاست خارجی»، فصلنامه راهبرد، سال ۲۱، شماره ۶۵.
- سوسور، فردینان دو. (۱۳۷۸)، «دوره زبان‌شناسی عمومی»، ترجمه: کورش صفوی، تهران: نشر هرمس.
- شولزینگر، رابرت د. (۱۳۷۹)، «دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم»، ترجمه: محمد رفیعی-مهرآبادی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- طاهایی، سید جواد. (بهار ۱۳۸۸). «امام‌خمینی (ره) و مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال ۱، شماره ۱.
- غلامرضا کاشی، محمد جواد. (۱۳۷۹)، «جادوی گفتار؛ ذهنیت فرهنگی و نظام معنایی در انتخابات دوم خرداد»، تهران: نشر آینده‌پویان.

فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹)، «تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران»، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

فلاح‌نژاد، علی. (۱۳۸۴)، «سیاست صدور انقلاب اسلامی»، تهران: مرکز اسناد انقلاب-اسلامی.

فوکو، میشل. (۱۳۷۰)، «قدرت انضباطی و تابعیت»، در: قدرت: فرّ انسانی یا شرّ شیطانی، ویراسته استیون لوکس، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

فولر، گراهام. (۱۳۷۷). «قبله عالم؛ ژئوپلیتیک ایران»، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر مرکز. قادری‌کنگاور، روح‌ا... و ابراهیمی، نبی‌ا... . (بهار ۱۳۸۹). «تحلیل گفتمان اوپاما در قبال جهان اسلام»، فصلنامه آفاق/امنیت، سال ۳، شماره ۶.

کلن، ادوارد. (۱۳۶۲)، «آمریکا در اسارت: لحظات سرنوشت‌ساز در بحران گروگان‌گیری»، ترجمه: توران خاوری و سرور طلّیعه، تهران: نشر قلم.

گلدستون، جک. (۱۳۸۵). «مطالعاتی نظری تطبیقی و تاریخی در انقلاب‌ها»، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: نشر کویر.

لاریجانی، محمدجواد. (۱۳۶۹)، «مقولاتی در استراتژی ملی»، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.

معبادی، حمید. (۱۳۸۱)، «چالش‌های ایران و آمریکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

منوچهری، عباس و دیگران. (۱۳۸۷)، «رهیافت و روش در علوم سیاسی»، تهران: انتشارات سمت.

موسوی‌خمینی، روح‌ا.... . (۱۳۷۱)، «صحیفه امام(ره)»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام‌خمینی (ره).

یورگنسن، ماریان، و فیلیپس، لوییز. (۱۳۸۹)، «نظریه و روش در تحلیل گفتمان»، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.

- Boyle, Francis A. (1985). "World Politics and International Law", Durham: Duke University Press Books.
- Fairclough, Norman. (1995). "Critical Discourse Analysis", London and New York: Longman Group Limited.
- Fairclough, Norman. (1996). "Language and power", London: Longman Group UK Limited.
- Frank, Manfred. (1992). "On Foucault Concept of Discourse", in: Timothy J. Armstrong, Michel Foucault, philosopher, New York: Harvester Wheatsheaf.
- Keddie, Nikki R. (2003). "Modern Iran: Roots and Results of Revolution", New Haven & London: Yale University Press.
- Kelanic, Rosemary. (2008). A. Carl Schmitt, "The Friend Enemy Distinction and International Relations Theory", Prepared for the International Studies Association Annual Convention, Sanfrancisco, California.
- Moshirzadeh, Homeira. (Spring2010). "Domestic Ideational Sources of Iran's Foreign Policy", Iranian Review of Foreign Affairs, Vol.1, No.1.
- Smith, Anna Marie. (1998). "Laclau and Mouffe: The Radical Democratic Imaginary", London and New York: Routledge.